

جهانی شدن و فرهنگ سازمانی در سازمان های جهانی

ملاحات سنجرى¹، رمضان جهانیان²

1- دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

2- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران

Sanjarim95@gmail.com

چکیده

امروزه سازمانها در یک محیط متغیر هستند که مستقیماً تحت تأثیر روند جهانی شدن قرار دارند. این موضوع منجر به تغییرات اجتماعی بسیاری و همچنین تغییرات در فرهنگ ملی می شود که به نوبه خود بستگی به فرهنگ سازمانی، رفتار اخلاقی و ارزش های سازمان دارد. سازمانها باید دیدگاههای متفاوت افراد را به سمت قوانینی سوق دهند که دارای دیدگاه تفکر جهانی هستند. در این مقاله ضمن تعریف جهانی شدن و فرهنگ سازمانی از طریق بررسی مروری و مطالعات کتابخانه ای به بررسی جهانی شدن و رابطه آن با فرهنگ سازمانی در سازمانهای جهانی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، فرهنگ سازمانی

1- مقدمه

واژه جهانی از 400 سال پیش تاکنون مورد استفاده محققان با دیدگاههای متفاوت بوده اگر چه لفظ جهانی شدن از حدود 1960 مورد استفاده جدی قرار گرفته است اما مفهوم جهانی شدن در نیمه دهه 1990 به عنوان یک بحث علمی جدی مورد توجه و مطالعه محققان قرار گرفت (رابرتسون 1383). جهانی شدن در روند تحولات خود تغییرات شگرفی را به وجود آورده است به طوریکه همه اشکال زندگی بشر را در بر گرفته است. این فرایند «شامل وابستگی قاعده مند تمامی روابط اجتماعی موجود بر روی کره زمین است. در یک بافت کاملاً جهانی شده هیچ رابطه خاص یا مجموعه ای از روابط نمی تواند به صورت منزوی و مجزا وجود داشته باشد. هر رشته از این روابط با رشته دیگری از روابط پیوند دارد و به طور منظم تحت تأثیر آن قرار می گیرد.» (واترز 1379: 96).

در شرایط امروز، اصطلاح جهانی شدن به وضوح هر جنبه ای از زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است. همین امر در فعالیت های تجاری نیز اتفاق می افتد، یعنی امروز، نظریه و عمل تأثیر بزرگی در شرایط اقتصادی نیز دارد، به ویژه در فعالیت های تجاری سازمان هایی که تمایل دارند در بازار بین المللی به فعالیت بپردازند (استیفانوسکا و تانوشسکی¹، 2016).

اگر از مبنای اصطلاح جهانی شدن که کلمه "جهانی" است شروع کنیم، واضح است که کل وحدت جهان، فرایند اجتماعی است که امروزه به آن رسیده ایم. در واقع، این موضوع بسیار نزدیک به کل گرایی و روشی جامع برای مشاهده و حل مشکلات فرایندی است که به سمت کلیت و وحدت جهانی گرایش دارد (تورک، 1999). بطوریکه جهانی شدن و پیامدهای گسترده آن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، جذاب ترین موضوع مورد بحث در محافل دانشگاهی و مهمترین مسئله و چالش در حوزه فرهنگ سیاسی کشورها در سطح جهان می باشد.

فرآیند جهانی شدن به طور کلی، اهمیت مرزها و حوزه کشور ملت ها را با چالش روبرو ساخته است بطوری که تمامی دولت های ملی در صدد حفظ تمامیت خود در قالب دولت ملت برآمده اند. در این عرصه بیش از آنکه حضور اقتصادی و تکنولوژیک اهمیت داشته باشد، حضور فرهنگی مهم است.

¹ Stefanovska & Tanushevski